

۱- معنی چند واژه که روبه‌روی آن نوشته شده نادرست است؟

«اصناف: انواع / لاف: پارچه‌ای که بر چیزی پیچند / جهد: تلاش / نفایس: دم و بازدم / شبگرد: شبرو / شفقت: مهربانی / فلاکت‌آمیز: پر مشقت / خلیفت: خلاف کردن»

۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲- معنی واژه‌های «غایت، صباحت، صنم، میثاق» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

۱) نهایت، زیبایی، بُت، عهد استوار
 ۲) بی‌نهایت، سحرخیزی، زیباروی، پیمان
 ۳) نهایت، زیبایی، دلبر، دیدار
 ۴) خواست، بیدار شدن، دلبر، قیامت

۳- در کدام گزینه کلمه‌ای با معنی «پرچم» نیامده است؟

۱) ز عدلش انوشیروان متهم / ازو رایت دادخواهی علم
 ۲) ز آن ستون‌ها چه بسی راز درون پیدا بود / هر ستونی چو یکی بیرق خون پیدا بود
 ۳) به پیش جهان‌جوی بردند گرز / فروزان به کردار خورشید برز
 ۴) بفرمود بردن ز پیش سپاه / درفش همایون فرخنده شاه

۴- کدام گزینه غلط املائی دارد؟

۱) با خزان آرزو حشر بهارم کرده‌اند / از شکست رنگ چون صبح آشکارم کرده‌اند
 ۲) بحر امکان خون شد از اندیشه جولان من / موج اشکم بر شکست دل سوارم کرده‌اند
 ۳) می‌روم از خود نمی‌دانم کجا خواهم رسید / مهمل دردم به دوش ناله بارم کرده‌اند
 ۴) معنی دل را حجابی نیست جز طول امل / ریشه چون در جلوه آید دانه پنهان می‌شود

۵- عبارت زیر چند غلط املائی دارد؟

«حالی که من این سخن بگفتم عنان طاقت درویش از دست تحمل برفت، تیغ زبان برکشید و اسب صفاحت در میدان وقاحت جهانید و بر من دوانید و گفت: چندان مبالغه در وصف ایشان بکردی و سخن‌های پریشانی بگفتی که وهم تصور کند که تریاق‌اند یا کلید خزانه ارزاق. مشتی متکبر مغرور که سخن نگویند آلا به سفاحت نظر نکنند آلا به کراهت. علما را به گدایی منصوب کنند و فقرا را به بی‌سر و پایی معیوب گردانند به عزت مالی که دارند و عزت جاهی که پندارند برتر از همه نشینند و خود را بهتر از همه ببینند.»

۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶- غالباً شاعران در سرودن منظومه داستانی کدام قالب شعری را استفاده می‌کنند؟

۱) مثنوی (۲) غزل (۳) قطعه (۴) رباعی

۷- نام پدیدآورنده کدام اثر ادبی به‌درستی آورده شده است؟

۱) زندگانی جلال‌الدین محمد: شمس تبریزی
 ۲) مرصاد العباد: نجم‌دایه
 ۳) روزها: جلال‌متینی
 ۴) تذکرة‌الاولیا: نظامی

۸- در کدام گزینه دو آرایه «حس آمیزی» و «متناقض نما» به‌کار رفته است؟

۱) اوحدی را غزل امروز روان است، که شب / صفت خط تو می‌کرد و سخن تر می‌شد
 ۲) زهر غم تو در جهان، نوش و نشاط خستگان / تلخ تو در مذاق جان، باده خوشگوار من
 ۳) در هجر تو کار بی‌نظام است مرا / شیرین همه تلخ و پخته خام است مرا
 ۴) شاهد از حدیث تلخ تو شیرین دهان برند / لب گر دهد خدا، لب شگرفشان دهد

۹- آرایه‌های مذکور کدام بیت نادرست است؟

۱) غلام همت آنم که زیر چرخ کبود / ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است (حس آمیزی - استعاره)
 ۲) زبان درکش ای مرد بسیاردان / که فردا قلم نیست بر بی‌زبان (جناس - تشبیه)
 ۳) صدف‌وار گوهرشناسان راز / دهان جز به لؤلؤ نکردند باز (استعاره - تشبیه)
 ۴) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد؟ / درد باید عمر سوز و مرد باید گام زن (جناس - حس آمیزی)

۱۰- در کدام گزینه آرایه تناقض یا «پارادوکس» وجود دارد؟

۱) دی درگذار بود و نظر سوی ما نکرد / بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر
 ۲) اندر دل بی‌وفا غم و ماتم باد / آن را که وفا نیست ز عالم کم باد
 ۳) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر / گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست
 ۴) تو چشم بستنی و گفتمی که این جهان خواب است / گشای چشم که این خواب خواب بیداری است

۱۱- در کدام گزینه تعداد واج‌های مصوت کمتر است؟

۱) راز درون دلت (۲) پدیده‌ای متداول (۳) اختلاف نظر (۴) احساس شگفت‌انگیز

۱۲- در کدام گزینه نقش تبعی وجود ندارد؟

- ۱) دل و دین کرده‌ای از ما طلب و این سهل است / مشکل این است که دین و دل ما برجا نیست
- ۲) او را خود التفات نبودش به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم
- ۳) بهار آمد بهار آمد بهار سبز پوش آمد / رها کن فکر خام ای دل که می در خم به جوش آمد
- ۴) نه آن صیدم که عشق از فکر من عاقل تواند شد / نمک در چشم ریزد دام را ذوق شکار من

۱۳- در کدام گزینه هم «واژه ونندی» و یا «واژه مرکب» وجود ندارد؟

- ۱) به گفتار دهقان کنون بازگرد / نگر تا چه گوید سراینده مرد
- ۲) به بیشه یکی خوب رخ یافتند / پر از خنده لب هر دو بشتافتند
- ۳) ز بهر پرستنده‌ای گرم گوی / نگردد جوان مرد پرخاش جوی
- ۴) جهاندار نامش سیاهش کرد / بر او چرخ گردنده را بخش کرد

۱۴- مفهوم عبارت زیر در کدام بیت وجود ندارد؟

«عادت کرده بود که همه چیز را گذران و همه احوال عالم را در معرض تبدیل تلقی کند؛ از این رو، از هیچ پیشامد جالبی زیاده اظهار شادمانی نمی‌کرد و از هیچ حادثه سوئی هم به شکوه در نمی‌آمد.»

- ۱) از بلند و پست عالم نیست ما را شکوه‌ای / ما ازین سوهان ناهموار فارغ گشته‌ایم
- ۲) چون گل رعنا خزان و نوبهار ما یکی ست / ز انقلاب عالم غدار فارغ گشته‌ایم
- ۳) سایه بال هما و جغد پیش ما یکی ست / ما که از اقبال و از ادبار فارغ گشته‌ایم
- ۴) نیست ما را کار بار و قبول کفر و دین / هم ز اقرار و هم از انکار فارغ گشته‌ایم

۱۵- کدام بیت با بقیه قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) زبان بریده به کنجی نشسته صم بُکم / به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم
- ۲) مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد
- ۳) سخن خوش‌گوی چندان که گویی / که خوش‌گویی است اصل هر نکویی
- ۴) عمر خود کوتاه کرد و نامه خود را سیاه / هر که صائب چون قلم سر در سر گفتار کرد

۱۶- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) رضا به داده بده وز جبین گره بگشای / که بر من و تو در اختیار نگشادست
- ۲) گناه چشم سیاه تو بود و گردن دل خواه / که من چو آهوی وحشی ز آدمی برمیدم
- ۳) مکن به چشم حقارت نگاه در من مست / که نیست معصیت و زهد بی‌مشیت او
- ۴) گر رنج پیشت آید و گر راحت ای حکیم / نسبت مکن به غیر که این‌ها خدا کند

۱۷- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) راه دانا دگر و مذهب عاشق دگر است / ای خردمند که عیب من مدهوش کنی
- ۲) عاقلان خوشه‌چین از سر لیلی غافلند / این کرامت نیست جز مجنون خرمن‌سوز را
- ۳) جای عاقل صدر دیوان، جای مجنون قعر زندان / حبس و تهمت قسم عاشق، تخت منبر جای عالم
- ۴) پرستش به مستی است در کیش مهر / برون‌اند زین جرگه هشیارها

۱۸- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر تناسب ندارد؟

- ۱) هرگز نشود بخت بد از عشق جدا / بدبختی و عاشقی مگر یاراند
- ۲) هر طفل که از مادر ایام بزاید / در عشق شود پیر اگرش بخت جوان است
- ۳) برداشته دل ز کار او بخت / درمانده پدر به کار او سخت
- ۴) دلش رفته، قرار و بخت مرده / پی دل می‌دوید آن رخت برده

۱۹- بیت «شور و غوغایی برآمد از جهان / حسن او چون دست در یغما نهاد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) عشق، شوری در نهاد ما نهاد / جان ما در بوته سودا نهاد
- ۲) حسن را بر دیده خود جلوه داد / منتی بر عاشق شیدا نهاد
- ۳) از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت / جنبشی در آدم و حوا نهاد
- ۴) چون نبود او را معین خانهای / هر کجا دید رخت آن‌جا نهاد

۲۰- مفهوم عبارت «اینجا اختصاصی دیگر هست که این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه که در او گنج معرفت تعبیه خواهیم کرد» در کدام عبارت

بیان شده است؟

- ۱) دیوی و ددی و ملکی و انسانی / با توست هر آن‌چه می‌نمایی آنی
- ۲) آمده‌ام که سر نهم عشق تو را به سر برم / و تو بگویی ام که نه، نی شکنم شکر برم
- ۳) فلک خمیده نگاهش به من که با تن چون دوک / چگونه بار امانت نشانده‌اند به دوشم
- ۴) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست / دیر سالی است که من بلبل این بستانم